

تحلیل عوامل توسعه ورزش همگانی براساس نظریه داده بنیاد

علی وفايي مقدم^۱، فرزام فرزنان^۲، محمد حسين رضوي^۳، مصطفي افشاري^۴

۱. دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، ایران

۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، ایران

۴. استادیار مدیریت ورزشی، پژوهشگاه علوم ورزشی، ایران*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹

چکیده

با توجه به برنامه‌های کلانی که در کشور در سالیان اخیر در حوزه ورزش همگانی انجام شده است، تغییر چشمگیری در افزایش مشارکت شهروندان مختلف کشور روی نداده است؛ بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی با ماهیت اکتشافی - بنیادی انجام شده است. روش پژوهش کیفی بود که براساس نظریه داده بنیاد به طراحی مدل پارادایمی عوامل توسعه ورزش همگانی کشور پرداخته شده است. ابزار مورد استفاده نیز مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که از نظرهای ۲۱ نفر از متخصصان ورزش همگانی کشور استفاده شد. روش نمونه‌گیری، هدفمند بود. خروجی پژوهش مدل پارادایمی بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی در کشور بود که از شرایط علی، مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تشکیل شده است. موارد ذکر شده از کدهایی در مرحله اول کدگذاری؛ یعنی کدگذاری باز در چند مفهوم نظیر «تعاریف و واژه‌ها، موانع بازدارنده، مقایسه با کشورهای پیشرو، انگیزاننده‌ها، تحلیل وضعیت، راهبرد کلان و درپایان، راهکار و روش اجرایی» به دست آمده‌اند. در مرحله دوم کدگذاری نیز کدگذاری محوری با مقوله محوری عوامل توسعه ورزش همگانی و مقوله‌های فرعی نظیر «جذابیت ورزشی، سوق دهنده‌ها، موانع و انگیزاننده‌ها» انجام شده است. در پایان، مشخص شد که بسیاری از عوامل توسعه به خود افراد مربوط نمی‌شوند؛ بلکه با تسهیل در عوامل سوق دهنده محیطی و برطرف کردن موانع موجود، افراد با خیال آسوده ورزش همگانی را از بین فعالیت‌های اوقات فراغت انتخاب خواهند کرد؛ گرچه تغییر در مفاهیم ورزش همگانی و افزایش انگیزاننده‌ها از عوامل مهمی هستند که باید به وجود آیند.

واژگان کلیدی: توسعه مشارکت، ورزش همگانی، تحلیل کیفی

مقدمه

ورزش و فعالیت‌های جسمانی به عنوان یک واقعیت اجتماعی، از زمان‌های بسیار دور در ساختار جوامع بشری وجود داشته‌اند و جزئی از زندگی روزمره انسان‌ها را تشکیل می‌دهد (شعبانی، غفوری و هنری، ۱۳۹۳، ۸۹). با وجود فواید بسیار زیادی که ورزش و فعالیت بدنی برای انسان و جامعه به‌ارمغان می‌آورند، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جوامع امروزی، رواج فرهنگ بی‌حرکی و راحت‌طلبی در میان انسان‌ها است (نوروزی، فروغ و موسوی، ۱۳۹۵، ۴۶۱). صنعتی‌شدن جوامع و ورود به دنیای فناوری‌های متنوع موجب شده است که تمامی ابعاد زندگی انسان از جمله تحرک او تحت تأثیر قرار گیرد (شعبانی‌مقدم، ۱۳۹۰، ۶). زندگی در دنیای امروز، ابتکار عمل سریع را از انسان گرفته است و او را دچار فقر حرکتی کرده است که این فقر حرکتی مشکلات متعدد جسمی، روانی و اجتماعی برای وی پدید آورده است (نورگس^۱، ۲۰۱۱، ۱۲). یکی از راهکارهای از بین بردن یا پیشگیری از فقر حرکتی، داشتن سبک زندگی فعال است (نیکولاس، هالت، کیسی، نیلی، لیندا، اسلاتر و کاترین^۲، ۲۰۱۷، ۵). اوقات فراغت و تفریح را می‌توان نوعی حق، مزیت و تجربه تندرستی در نظر گرفت. اگر مردم جایگاه‌هایی برای بازی نداشته باشند یا سازمان‌هایی مانند دولت فضاهایی برای تفریح عمومی مهیا نکنند، دنیا به مکان افسرده‌کننده‌ای تبدیل می‌شود (گایل^۳، ۲۰۱۰، ۳۳). اوقات فراغت عنصر اساسی تجربه انسانی است و فعال بودن در اوقات فراغت نقش مهمی در ظرفیت سلامتی جامعه دارد؛ براین اساس، دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بخش خصوصی باید در روند برنامه‌ریزی، نظارت، و پیشرفت تجارب اوقات فراغت، تفریح و بازی‌های فعال همچون بازدارنده‌های بیماری و امراض مرتبط سرمایه‌گذاری کنند (گایل، ۲۰۱۲، ۸۱). ورزش به‌عنوان راه‌حل راهبردی^۴ و ورزش همگانی به‌عنوان وسیله‌ای ارزان‌قیمت و فرح‌بخش می‌توانند این مشکل را به‌نحو مطلوب حل کنند (ممتازبخش، ۱۳۸۶، ۱۲). ورزش همگانی شکلی از فعالیت‌های جسمانی یا حضور منظم در فعالیت‌های جسمانی است که موجب تندرستی و سلامت بدنی و روانی می‌شود، روابط اجتماعی را شکل می‌دهد و به نتایج مثبت منجر می‌شود (تیموری، ۱۳۸۵، ۸۶).

ورزش‌های تفریحی که مترادف ورزش همگانی هستند، انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌های ورزشی ساده، کم‌هزینه، غیررسمی، فرح‌بخش و بانشاط هستند که امکان شرکت در آن‌ها برای همه افراد وجود دارد (اسکیل^۵، ۲۰۱۴، ۳۳۰). ورزش همگانی، جنبش جهانی همگانی کردن ورزش‌های

1. Norges

2. Nicholas, Holt, Kacey, Neely, Linda, Slater, & Katherine

3. Gayle

4. Strategic

5. Skille

تفریحی است (سازمان ورزش همگانی انگلستان^۱، ۲۰۱۰). امروزه، همگانی کردن ورزش‌های تفریحی به یکی از وظایف دولت‌ها تبدیل شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها باید گسترش ورزش همگانی را سرلوحه برنامه‌های درازمدت خود قرار دهند؛ درغیراین صورت، باید در انتظار آمارهای نگران‌کننده بیماری‌ها، غیبت از کار در اثر بیماری‌های ناشی از کم‌تحرکی، افزایش مرگ‌ومیر و کاهش سطح بهداشت عمومی باشند (هلزیر^۲، ۲۰۰۲، ۱۰۲).

ورزش همگانی و تفریحی در قالب پنج فعالیت و برنامه جداگانه و مرتبط به هم اجرا می‌شود که عبارت‌اند از: ورزش آموزشی، ورزش غیررسمی، ورزش درون‌بخشی، ورزش برون‌بخشی و ورزش باشگاهی (مطالعات تفصیلی ورزش همگانی، ۱۳۸۴، ۳۶). این فعالیت‌ها معمولاً به صورت انفرادی و یا دسته‌جمعی و در اماکنی مانند ورزشگاه، پارک‌ها، دشت‌ها، صحراها و مکان‌های طبیعی داخل و خارج شهر انجام می‌شوند (محمدعلی‌پور، ۱۳۸۲، ۱۱). با توجه به تعاریف مختلفی که در مورد ورزش همگانی و تفریحی وجود دارد، مجموعه‌ای از مشخصه‌ها برای آن قابل استنباط است. مشخصه‌هایی مانند مشارکت گسترده و گروهی بودن، آزادانه و انتخابی بودن، کم‌هزینه بودن، کم‌اهمیت بودن رقابت و بردوباخت، محدود نبودن به سن، جنس، نژاد، زمان و مکان، و تفریحی، بانشاط و شاد بودن، همگی توصیف‌کننده خصوصیت‌های مختلف ورزش همگانی هستند (غفوری، هنرور، هنری و منیره، ۱۳۸۶، ۲۲). فلسفه ورزش همگانی تشویق شهروندان به ورزش و فعالیت‌های فیزیکی است و نیز پیامی برای سیاست‌گذاران دارد تا از موقعیت خود برای پیشبرد این هدف و فراهم آوردن فرصت برای مشارکت عموم افراد استفاده کنند (امان^۳، ۲۰۰۹، ۲۲).

ریچارد مول^۴ ورزش‌های همگانی را شامل ورزش‌های داخل سالن، برنامه‌های تفریح‌های سالم، فعالیت‌های جسمانی در محیط طبیعی، فعالیت‌های تفریحی یا آمادگی جسمانی می‌داند. برخی از صاحب‌نظران ورزش‌های همگانی را ورزش‌هایی می‌دانند که در هر شرایطی اجرا می‌شوند، به تأسیسات و امکانات تخصصی ویژه‌ای نیاز ندارند و برای سلامتی و گذراندن اوقات فراغت انجام می‌شوند. دوچرخه‌سواری، راهپیمایی و کوه‌نوردی از جمله این فعالیت‌ها محسوب می‌شوند (رحمانی-نیا، ۱۳۸۲، ۱۶۲). همچنین، ورزش نیوزیلند براساس تدوین برنامه ملی خود، در یک برنامه هشت‌ساله ابتدایی و سپس، برنامه هشت‌ساله دوم، برای افزایش ۱۵ درصدی مشارکت اقدام کرده است که براساس گزارش سال ۲۰۱۶، پس از گذشت شش سال به مشارکت هفت‌درصدی دست یافته است (ورزش نیوزیلند^۵، ۲۰۱۵، ۳۶).

-
1. England Sport for All Organization
 2. Holzweher
 3. Aman
 4. Moll
 5. Sport New Zealand

کمیسیون ورزش مرکز هنلی^۱ انگلستان، چهارچوبی ملی را برای گسترش ورزش در انگلستان، براساس محرک‌های کلیدی تغییر (جمعیت سالمند، کمبود زمان، رفاه و چاقی، سطوح سرمایه‌گذاری، استفاده مؤثر از آموزش، تغییر در دسترسی‌ها، داوطلبان و حرفه‌ای‌ها)، حوزه‌های تغییر (خانه، جامعه، محل کار و مدارس) و حوزه‌های سیاست‌گذاری (ترویج و بازاریابی، تغییر در وضع قوانین، کیفیت اعتبارگذاری و بهبود آن)، ساختارها و مشارکت‌ها، عرضه و نوآوری، و برنامه‌ریزی راهبردی طراحی کرده است (چهارچوب ورزش در انگلستان^۲، ۲۰۰۴، به نقل از صفاری، احسانی و امیری، ۱۳۹۴، ۲۶). پیمان‌فر، الهی و حمیدی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «چرا راهبردها در عمل با شکست مواجه می‌شوند؟» با استفاده از نظریه داده‌بنیاد به بررسی موانع پرداختند. نتایج حاکی از شناسایی ۲۴ مانع اصلی در برابر پیاده‌سازی راهبردها در نظام ورزش ایران بود.

رواج ورزش همگانی و استقبال تمامی اقشار جوامع برای شرکت در برنامه‌های ورزشی و امور مربوط به آن، موجب افزایش نشاط و بهروری ملی می‌شود. در این راستا، در فراهم آوردن نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور، ورزش و تفریح‌های سالم به‌عنوان فرایند اصلی مطرح هستند. گزارش سال ۲۰۱۷ اتحادیه فعالیت جسمانی، افزایش عمومی مشارکت در فعالیت‌های جسمانی را نشان می‌دهد (انجمن فعالیت جسمانی^۳، ۲۰۱۷). همچنین، روند فزاینده رقابت‌های قهرمانی و ارتقای ورزش همگانی موجب زبان‌زد شدن نام ملت‌های پیروز در سطح جهان می‌شوند؛ از این رو، نیاز به مدیران تعلیم‌دیده و تشکیل سازمان‌ها یا مراکز سیاست‌گذاری در اداره امور، بیش‌ازپیش احساس می‌شود (اسکیل، ۲۰۱۴، ۳۳۱). در کشور ما، به ورزش همگانی و تفریحی سازمان‌یافته، کمتر توجه شده است. مشارکت پایین جامعه در ورزش همگانی و فقدان یک نظام قانونی، یکپارچه و اجرایی برای استعدادیابی و پرورش ورزشکاران، موجب ضعف در ورزش قهرمانی و کاهش زمینه ظهور و بروز استعدادهای ورزشی شده‌اند و نیاز به ایجاد مراکزی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امر ورزش همگانی و قهرمانی بیش‌ازپیش احساس می‌شود (تیموری، ۱۳۸۵). ورزش همگانی نیز همانند هر سیستم دیگر نیازمند تدوین اهداف کلان، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی است تا علاوه بر آگاهی از مسیر حرکت بتواند از هرگونه دوباره‌کاری، بیراه‌رفتن و هدررفتن منابع مالی، انسانی، فیزیکی و اطلاعاتی خود اجتناب ورزد.

استفاده از نظرهای پژوهشگران مختلف در زمینه ورزش همگانی و کاربردی کردن نتایج پژوهش‌ها، به‌عنوان زمینه‌ای برای اجرای سیاست‌گذاری در این حیطه است که اخیراً دولت‌ها آن را مدنظر قرار داده‌اند. در این پژوهش، از نظر متخصصان این حوزه در کشور استفاده شده است تا علاوه بر

-
1. Heinli
 2. The Framework for Sport in England
 3. Physical Activity Council

پژوهش‌های پیشین، با مصاحبه از این متخصصان به نتایج خوبی برای بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی دست یابیم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش حاضر، همه‌مطلبی هستند که از کدگذاری باز به دست آمده‌اند. با مصاحبه‌ای که به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شده است، اطلاعات این مرحله در چند مفهوم نظیر «تعاریف و واژه‌ها، موانع بازدارنده، مقایسه با کشورهای پیشرو، انگیزاننده‌ها، تحلیل وضعیت، راهبرد کلان و درپایان، راهکار و روش اجرایی» به دست آمده است. مرحله دوم مقوله محوری، عوامل توسعه ورزش همگانی هستند که توسط چهار دسته مقوله بررسی شده‌اند که این مقوله‌های فرعی نظیر «جذابیت ورزشی، سوق‌دهنده‌ها، موانع و انگیزاننده‌ها» هستند. در ادامه، هریک از این مقوله‌ها به دسته‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. مقوله موانع به مفاهیمی نظیر «فرد واسطه، پشتیبانی و کلان»، مقوله انگیزاننده‌ها به مفاهیمی نظیر «فردی، بین‌فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، مقوله ویژگی جذابیت ورزش همگانی به مفاهیمی نظیر «ویژگی ورزش‌ها، مفهوم ورزش همگانی، درک ورزش، تنوع ورزش و امکان اجرای ورزش» و مقوله نهایی نیز سوق‌دهنده‌های محیطی بودند که مفاهیمی نظیر «سیاسی^۱ قانونی، مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی» را در بر می‌گیرند. راهبردهای نهایی نیز برای رسیدن به پیامدها در سه سطح «فرد، سطح میانی و سطح کلان» در نظر گرفته شده‌اند تا به پنج کد پیامد دست یابند.

در مرور برخی از مقالات گسترده‌ای که در زمینه ورزش همگانی انجام شده‌اند نظیر مطالعات جوادی‌پور، قویدل و سمیع نیا (۱۳۹۲) و صفاری و همکاران (۱۳۹۴)، در برخی نحوه‌های استفاده از نتایج و مدل‌هایی که استخراج می‌شوند، تردید و ابهام وجود دارد. این مدل‌های استخراجی عموماً فرایند سیاست‌گذاری را در سطح کلان نشان می‌دهند که نتوانسته‌اند به خوبی در زندگی عادی اقشار مختلف به صورت یک سبک زندگی ساری و جاری شوند. این مطلب بدین معنا نیست که این پژوهش‌ها نواقصی دارند؛ بلکه نحوه استفاده از نتایج این پژوهش‌ها در فرایند سیاست‌گذاری آن‌چنان مؤثر نبوده است. اینکه درک افراد در مفاهیم ورزش همگانی چرا پایین است؟ چرا به صورت عادت در برنامه زندگی وارد نشده است؟ یا مدل‌های کلان‌تر در سطح تصمیم‌گیری چه مدل‌هایی هستند؟ در برخی از پژوهش‌های انجام شده در کشورهای پیشرفته نظیر پژوهش پیرسون^۱ (۲۰۱۶) که در کشور سوئد انجام شده است، به صورت تدوین راهبرد ورزش همگانی به فرایندهای اجرایی بیشتری تأکید می‌شود. بسیاری از کشورهای دنیا هر ساله برنامه‌های کلانی را اجرا می‌کنند تا این برنامه‌ها در شرایط اجرا متناسب با نیازهای مردم، پیاده شوند (کمیسون اروپا، ۲۰۱۷، ۷۰۶). با در نظر گرفتن این چهارچوب، پژوهشگران مطالعه حاضر در نظر دارند خروجی این پژوهش برای

1. Persson
2. European Commission

طراحی مدل سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور به‌عنوان چهارچوب نظری ویژه‌ای باشد تا با این پیش‌زمینه، مدل سیاست‌گذاری ورزش همگانی تدوین شود. اجرای راهبردهای کلان با دارا بودن پیش‌زمینه قوی نظری می‌تواند در سالیان متمادی در به‌ثمر رسیدن اهداف کلان ملی، مکمل تعیین‌کننده‌ای باشد (نیکولاس و همکاران، ۲۰۱۷، ۳).

روش‌شناسی پژوهش

ماهیت این پژوهش، اکتشافی- بنیادی و رویکرد آن کیفی است که از راهبرد داده‌بنیاد استفاده شده است. هدف پژوهش، دستیابی به مدل پارادایمی براساس داده‌هایی است که با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نظام‌مند و مطالعات نظری موجود گردآوری شده‌اند. بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی با استفاده از راهبردهایی است که طی چند مرحله کدگذاری به پیامدهایی منجر می‌شوند و این پیامدها همان نتایجی هستند که بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی به آن منجر می‌شوند. در این پژوهش، از طرح نظام‌مند راهبرد اشتراوس و کوربین^۱ (۲۰۱۱) استفاده شده است. مرحله اول، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند پژوهش‌های گذشته در این زمینه، به سؤال‌های نیمه‌باز و نیمه‌بسته‌ای برای انجام مصاحبه با ۲۱ نفر از متخصصان این حوزه منتج شده است. در انجام مصاحبه، گاهی در پاسخ به سؤال‌ها محدودیت‌ها کاهش می‌یابند تا پژوهشگر بتواند به زوایای مختلف موضوع دسترسی پیدا کند. برطبق اصول نمونه‌گیری در پژوهش‌های نظری، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. براساس طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد، برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده باید سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شود تا در نهایت، پارادایمی منطقی یا تصویری عینی از نظریه خلق شده ارائه شود. از آنجایی که مفاهیم پایه‌های اصلی ساختن نظریه هستند، لازم است سازوکاری تعبیه شود تا مفاهیم شناسایی شوند و برحسب خصوصیات و ابعادشان بسط داده شوند. این سازوکار در نظریه داده‌بنیاد در کدگذاری باز انجام می‌شود؛ به طوری که از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی در ارتباط با پدیده مورد بررسی از طریق سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها، برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها استخراج می‌شوند. از دل داده‌های خام اولیه مجموعه‌ای از مقوله‌ها در جریان کدگذاری باز ظهور یافتند. این مرحله شامل مراحل تحلیل و کدگذاری، کشف مقوله‌ها، توصیف مقوله‌ها با توجه به خصوصیات آن‌ها و در نهایت، جدول کدگذاری باز است. در مرحله بعد؛ یعنی کدگذاری محوری، یکی از مقوله‌ها (مقوله اصلی) در این پژوهش توسعه ورزش همگانی است. مقوله اصلی مورد بررسی و اکتشاف قرار

1. Shtraves & Kourbin

گرفت و سپس، مقوله‌های دیگر به‌طور نظری به آن ارتباط داده شدند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: شرایط علی (علل شکل‌گیری پدیده اصلی)، راهبردهای کنش و کنش متقابل (کنش‌ها یا کنش‌های متقابلی که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌شوند)، شرایط مداخله‌گر (شرایط بسترساز عام مؤثر در راهبردها) و پیامدها (نتیجه به‌کار بستن راهبردها). در آخرین مرحله از کدگذاری، به‌دلیل اینکه اجزای اصلی نظریه یا فرایند پیشنهادی خود را نشان می‌دهد، پژوهشگر براساس این اجزای نوظهور در کدگذاری گزیده‌تر عمل می‌کند؛ از این‌رو، این مرحله را انتخابی می‌نامند. وظیفه بعدی پژوهشگر، دسته‌بندی و مقایسه مفاهیم استخراج‌شده از عمق داده‌ها است. در این مرحله، نظرها و مفاهیم در طبقه‌های یکسان قرار گرفتند و درنهایت، عوامل توسعه ورزش همگانی در کشور ایران شناسایی شدند.

نتایج

در جدول شماره یک، در قسمت اول بر اساس مصاحبه، نتایج کدگذاری باز بیان شده است.

جدول ۱- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
	۱- تصور ضعیف از مفهوم ورزش همگانی
	۲- مشارکت اقشار خاص در ورزش همگانی
	۳- تحول در مفاهیم ورزش و انواع آن
	۴- نشناختن ورزش‌ها توسط مردم
	۵- سردرگمی در مفاهیم ورزش همگانی
	۶- فاصله زیاد بین شناخت مردم از ورزش‌ها و ورزش همگانی تا دیدگاه مسئولان
	۷- جذابیت کم ورزش همگانی
	۸- وجود تنها چند ورزش همگانی ارزان قیمت و کم‌هزینه
	۹- مشارکت مسن‌ها در ورزش همگانی
	۱۰- تصور از اینکه هر حرکتی ورزش همگانی است
	۱۱- مبهم بودن تفاوت بین ورزش همگانی با ورزش برای همه
	۱۲- نامفهوم بودن ورزش همگانی حتی بین مسئولان این ورزش
	۱۳- احساس نکردن موفقیت در اجرا
	۱۴- نشناختن مهارت‌های اجرایی ورزش همگانی
	۱۵- نبود تفکر و بینش علمی در ورزش همگانی
	۱۶- الگوی فکری جامعی در مورد مفاهیم موجود نیست

ادامه جدول ۱- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
	۱- حمایت مالی ضعیف از ورزش همگانی
	۲- بازاریابی و جذب تماشاچیان ورزش همگانی پرداخت یارانه
	۳- کیفیت پایین اماکن ورزشی
	۴- ضعف دانش افراد درمورد نحوه مشارکت
	۵- ضعف دانش مردم درمورد فواید ورزش
	۶- مشکلات مالی مردم
	۷- سطح پایین رضایت شغلی
	۸- سطح پایین رضایت از زندگی
	۹- سطح پایین تعهد شغلی
	۱۰- درآمد پایین مردم
	۱۱- آگاهی نداشتن درمورد نحوه فعالیت سازمان‌های مسئول
	۱۲- درگیری ذهنی افراد
	۱۳- تصویر کشور در جهان
	۱۴- تحریم‌ها
	۱۵- مشکلات سیاسی
	۱۶- دخالت‌های سیاسی
	۱۷- انحصارگرایی در ورزش
	۱۸- دولتی بودن ساختار ورزش
	۱۹- دولتی بودن رسانه
	۲۰- دولتی بودن بودجه
	۲۱- نبود زیرساخت‌های ورزشی
	۲۲- نبود ثبات تشکیلاتی
	۲۳- نبود بازاریابی در ورزش همگانی
	۲۴- کیفیت پایین همایش‌های برگزار شده
	۲۵- پیگیری نشدن حقوقی قوانین مصوب مجلس
	۲۶- ضعف در دانش مدیران
	۲۷- سنگین بودن هزینه‌های برخی از ورزش‌های همگانی
	۲۸- حمایت اجتماعی کم از زنان
	۲۹- کمبود نیروی انسانی
	۳۰- تغییر انگیزه افراد
	۳۱- سبک زندگی ناسالم
	۳۲- کیفیت زندگی در سطح پایین
	۳۳- رضایت از زندگی در سطح پایین

ادامه جدول ۱- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
مفاهیم زیاده‌رسانه	۳۴- اضطراب اندام
	۳۵- تصور ضعیف بدنی
	۳۶- کمبود وقت مردم
	۳۷- کم بودن اماکن و تجهیزات
	۳۸- شکاف دیجیتال
	۳۹- تفکر ماکیاوولی
	۴۰- کارایی نداشتن ساعات درس ورزش
	۴۱- کارایی نداشتن تربیت بدنی عمومی دانشجویان
	۴۲- حمایت کم مسئولان سازمان‌ها
	مفاهیم توسعه کشور
۲- فناوری پیشرفته	
۳- نظارت قوی	
۴- ورزش به‌عنوان یک عادت در زندگی	
۵- ثبات اقتصادی	
۶- فاصله طبقاتی کم افشار مختلف	
۷- همه‌گیربودن ورزش	
۸- یکی بودن مسئول و ناظر ورزش همگانی	
۹- تنظیم شدن برنامه‌های کلانی	
۱۰- اداره‌های پیشرفته با امکانات پیشرفته	
۱۱- خصوصی سازی و حضور شرکت‌های خصوصی	
۱۲- سطح مشارکت زیاد	
۱۳- بینش و فرهنگ سلامتی متفاوت	
۱۵- وجود محدودیت‌های کنترل و ارزیابی کارکنان در ورزش کشور	
۱۶- اقتصاد قوی در کشورهای پیشرفته	
۱۷- قوانین حمایتی قوی	
۱۸- بافت شهری مطابق با ورزش همگانی	
۱۹- فرایند یادگیری و آموزش	
۲۰- شناخت ناکافی از ظرفیت‌های بین‌المللی حوزه ورزش‌های همگانی و فعالیت‌های بدنی عمومی	

ادامه جدول ۱- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
انگیزه‌ها	۱- احساس نیاز اقشار مختلف به ورزش همگانی
	۲- کسب سلامتی
	۳- در کنار خانواده بودن
	۴- در کنار دوستان بودن
	۵- پرکردن اوقات فراغت
	۶- قوانین حمایتی
	۷- دسترسی آسان به اماکن
	۸- وجود فرهنگ بومی و محلی
	۹- درگیر کردن سازمان‌ها
	۱۰- کاهش هزینه‌های مشارکت
	۱۱- شادبودن
	۱۲- تناسب اندام
ویژگی‌های سنجی	۱- مشخص نبودن میزان دقیق مشارکت
	۲- از هر ۱۰ نفر یک یا دو نفر مشارکت دارند
	۳- داشتن فرصت‌های زیاد ورزش همگانی
	۴- فرهنگ و تمدن غنی، ولی ورزش ضعیف
	۵- تناقض در برنامه سازمان‌های مسئول
	۶- دخالت زیاد دولت
	۷- مدیریت وابسته به اقشار خاص
	۸- همه‌کاره بودن مدیران
	۹- ضعف آگاهی مدیران در شرایط اجرایی
	۱۰- ضعف استفاده از مدیریت علمی
	۱۱- ضعف در سیاست‌گذاری (هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و غیره)
	۱۲- سردرگمی سطح کلان مدیریت ورزش همگانی
	۱۳- اقشار مختلف می‌خواهند؛ ولی نمی‌توانند
	۱۴- کمی پیاده‌روی در ورزش همگانی وجود دارد
	۱۵- اولویت با درمان است و ورزش همگانی کم اهمیت.
	۱۶- نیازسنجی محیطی
	۱۷- علاقه‌مندی به بازی‌های رایانه‌ای و فضای مجازی
	۱۸- اوقات فراغت غیرفعال
	۱۹- شناسایی انواع اقشار مختلف کشور
۲۰- ضعف در آمار و اطلاعات مشتریان	
۲۱- چشم‌انداز روشنی وجود ندارد	

ادامه جدول ۱- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
وضیعت سیستم	۲۲- غیرفعال بودن هیئت‌های ورزش همگانی
	۲۳- اجرانشدن فعالیت‌های پژوهشی
	۲۴- ناهماهنگی مسئولان
	۲۵- عزل و نصب‌های سیاسی
	۲۶- نبود فلسفه در اجرا
	۲۷- نداشتن مستندات از گذشته
	۲۸- ضعف وبسایت‌های به‌روز
	۱- درگیر شدن تمامی مردم
راهبرد کلان	۲- تدوین نظام‌نامه
	۳- استفاده از فرصت‌های ورزش همگانی
	۴- عملگرابودن مسئولان
	۵- ثبات مدیریتی در ورزش کشور
	۶- تطابق سازمان‌های مسئول
	۷- هماهنگی سازمان‌های مسئول اصلی با سازمان‌های فرعی
	۸- اقدامات محیط‌پژوهی ورزشی
	۹- سیاست‌گذاری در سه سطح کلان، میانی و خرد
	۱۰- تعامل بین سیستم پزشکی با سیستم ورزشی کشور
	۱۱- اهداف‌های کلان در دسترس براساس شرایط فعلی
	۱۲- فعال شدن رسانه
	۱۳- تدوین ایدئولوژی مشارکت اجتماعی
	۱۴- فعال کردن ورزش آموزش و پرورش
	۱۵- مدیریت بهینه‌سازی فضاهای شهری
	۱۶- تدوین مدیریت همگرایی
	۱۷- برنامه‌ریزی نیروی انسانی ملی
	۱۸- وضع قوانین مدیریتی، مالی و اداری
	۱۹- شایسته‌سالاری در مدیریت
	۲۰- تعلق بارانه به ورزش همگانی
	۲۱- شناخت تغییرات فناوری
	۲۲- برنامه‌ریزی در چهار قسمت دولتی، تجارت، سازمان‌های غیررسمی و داوطلبی
	۲۳- ایجاد اطمینان در مردم
	۲۴- شناخت ابزارهای ارتباطی مناسب
	۲۵- درآمدزایی برای خصوصی‌سازی
	۲۶- شناخت فرهنگ‌های جوامع مختلف

ادامه جدول ۱- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
راهبرد کلان	۲۷- فرهنگ‌سازی براساس جمعیت
	۲۸- یکپارچگی ملی سازمانی
	۲۹- یکپارچگی ملی مردمی
	۳۰- برنامه‌ریزی رویدادهای خانوادگی
	۳۱- تأثیرپذیری جامعه از وجود ساختار و مدیریت
راهکار و رویکرد	۳۲- به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های ملی
	۱- تقویت سبک مدیریت
	۲- آموزش نیروی انسانی
	۳- آموزش مردم
	۴- ورود دانشگاهیان متخصص کل کشور
	۵- تغییر در ساختار ورزش کشور
	۶- وضع قوانین حمایتی
	۷- تقویت بعد فرهنگی
	۸- تقویت بعد اجتماعی
	۹- افزایش ساعات کار نیروی انسانی
	۱۰- توسعه ورزش‌های همگانی براساس شرایط زیست‌محیطی هر منطقه
	۱۱- برقراری جلسات مدون با سازمان‌های غیرورزشی مسئول
	۱۲- تقویت ورزش روستاها
	۱۳- شناسایی نیازها و انگیزش اقشار مختلف
	۱۴- علائق و نیازمندی‌های قومیت‌های مختلف جامعه
	۱۵- روان‌شناسی اقشار مختلف
	۱۶- القای حس افتخار به مردم پس از اجرا
	۱۷- برگزاری فعال همایش‌های ورزش همگانی
	۱۸- نوآوری و خلاقیت در ورزش همگانی
	۱۹- ایجاد انجمن‌های محلی ورزش همگانی
	۲۰- ایجاد کارت‌های مشارکت فعال
	۲۱- ایجاد کمپ‌های ورزش همگانی محلی
	۲۲- ایجاد مزیت اجتماعی
	۲۳- در دسترس بودن مسیرهای ارتباطی
	۲۴- استفاده از قهرمانان ورزشی
	۲۵- روابط عمومی مستحکم در همه سطوح
	۲۶- افزایش محیط ورزشی برای بانوان
۲۷- تدوین بازاریابی ورزش همگانی	

شرایط علی: در این بخش، علل اهمیت پدیده اصلی «عوامل توسعه ورزش همگانی» شناسایی شدند.

شرایطی که سبب شده‌اند بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی اهمیت یابد، شش مورد بوده‌اند که عواملی هستند که در کدگذاری باز به دست آمده بودند.

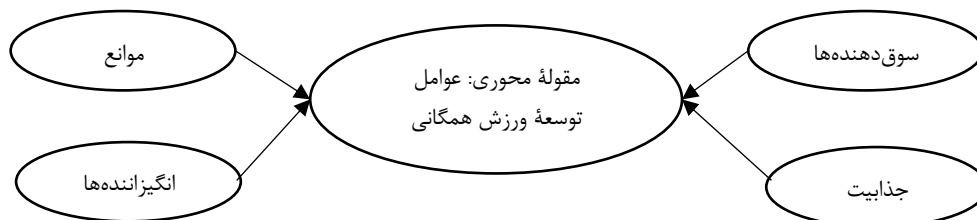
جدول ۲- شرایط علی به وجود آورنده مقوله محوری

کد	شرایط علی
۱	مشارکت پایین اقشار مختلف با توجه به برنامه‌های اجرایشده
۲	شیوع بیماری‌های مختلف به علت مشارکت نداشتن در ورزش همگانی کشور
۳	نبود وحدت ملی برای افزایش مشارکت در ورزش همگانی کشور
۴	نبود ورزش همگانی به عنوان یک عادت روزمره
۵	وجود فرصت‌های عظیم ورزش همگانی کشور
۶	سردرگمی مدیریت کلان ورزش همگانی کشور

گام دوم : کدگذاری محوری: کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی بنیادی است. هدف این مرحله، برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار (عمل) براساس مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه را به آسانی انجام دهد. در کدگذاری محوری، اساس فرایند ارتباطی بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها است؛ مانند آنچه در پژوهش حاضر به عنوان مقوله محوری انتخاب شده است؛ یعنی توسعه ورزش همگانی کشور.

جدول ۳- کدهای خروجی مرحله دوم (کدگذاری محوری)

کد	مقوله‌ها
۱	موانع بازدارنده
۲	انگیزاننده‌ها
۳	سوق دهنده‌ها
۴	ویژگی درونی ورزش همگانی



شکل ۱- ارتباطات مقوله‌های فرعی با مقولهٔ محوری

شرایط زمینه: شرایط خاصی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، عوامل درونی اثرگذار بر پدیدهٔ اصلی و راهبردها، به‌عنوان شرایط زمینه در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۴- موانع بازدارنده به‌عنوان اولین دسته از شرایط زمینه‌ای

مقوله	مفهوم	نشان
فردواسطه	فردی: مسائل روان‌شناختی فردی، فلسفهٔ درونی ضعیف، ضعف دانش فردی، ضعف اراده، نگرش ضعیف به ورزش، مصدومیت و درد گروهی: نبود همراه در خانواده، همسایه‌ها و همکاران، ضعف در جمع ورزش کردن (خجالت و ترس)، معاشرت تک‌جنسیتی در فضاها محیطی: چندشغله‌بودن، مسئولیت‌های خانوادگی، آگاهی‌نداشتن از برنامه‌ها، نبود مدیریت زمان	
پشتیبانی	انسانی: نبود نیروی داوطلبی، نبود نیروی کارآمد انسانی در سطح کلان و خرد، کمیت پایین نیروی انسانی اجرایی، تخصص‌نداشتن مدیران مسئول ورزش همگانی، ورود نیافتن متخصصان ورزش همگانی دانشگاهی	
موانع	مالی: درآمد پایین اقشار مختلف، هزینه‌های بالای مشارکت، هزینه‌های بالای دسترسی، نبود یارانهٔ دولتی	
کلان	سخت‌افزاری: دسترسی سخت به اماکن ورزش همگانی، کیفیت پایین مکان‌های ورزشی، کمیت پایین مکان‌های ورزشی، نبود فضاهای ورزشی با زیرساخت همگانی، نبود وسایل ورزش همگانی، نبود فناوری در اماکن	
	مدیریتی: نبود سیاست‌گذاری (هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و غیره) در ورزش همگانی، نبود قوانین حمایتی برای اقشار مختلف، نبود قوانین حمایتی برای سازمان‌ها، نبود بازاریابی در ورزش همگانی، کمیت پایین کارگاه‌ها، همایش‌ها و سخنرانی‌ها، نبود راهبرد در ورزش همگانی، نبود نظارت و کنترل	
	محیطی: نبود ثبات اقتصادی، فواصل طبقاتی اقشار، دخالت‌های سیاسی، نبود هماهنگی سازمانی ملی، نبود تطابق سازمانی در سازمان‌های اصلی مسئول، نبود مستندات فرهنگ ورزشی قومی	

ادامه جدول ۴- موانع بازدارنده به عنوان اولین دسته از شرایط زمینه‌ای

مقوله	مفهوم	نشان
موانع	کلان	ساختاری: دولتی بودن ساختار ورزش همگانی، دولتی بودن بودجه، نبود حامیان مالی، نبود ثبات تشکیلاتی، انحصارگرایی در ورزش همگانی، جاری نشدن سیاست‌های کلان در سطح هیئت‌های ورزشی، تغییر سریع سیاست‌های کلان با تغییر دولت، نبود شایسته‌سالاری، نبود ثبات مدیریتی

دسته اول شرایط زمینه‌ای، موانع موجود در سه سطح فرد واسطه، پشتیبانی و کلان هستند.

جدول ۵- انگیزاننده‌ها به عنوان دومین دسته از شرایط زمینه‌ای

مقوله	مفهوم	نشان
فرهنگ	فردی	احساس نیاز به ورزش، کسب سلامتی، رسیدن به تناسب اندام، شاد بودن، کاهش دغدغه
	بین فردی	در کنار خانواده بودن، در کنار دوستان بودن، مفید واقع شدن، احساس موجودیت
	اقتصادی	درآمد بیشتر، کاهش هزینه‌ها، کاهش هزینه بیماری‌ها
	اجتماعی	پرکردن اوقات فراغت، جمع‌گرایی، مشارکت سازمانی
فرهنگی		اشاعه فرهنگ بومی- محلی، عضویت سازمان‌های مردم نهاد، نمایش الگوهای سبک زندگی سالم

دسته دوم، شرایطی زمینه‌ای هستند که به عنوان ضعف در انگیزاننده‌های موجود هستند و در پنج دسته در افراد وجود دارند.

جدول ۶- جذابیت ورزش همگانی به عنوان سومین دسته از شرایط زمینه‌ای

مقوله	مفهوم	نشان
جذابیت ورزش همگانی	ویژگی ورزش‌ها	جذابیت کم ورزش‌ها، صعب‌الوصول بودن ورزش‌های موجود، تناقض در تعریف و موجودیت ورزش‌های موجود، گران بودن وسایل مورد نیاز اجرا، نیاز به مشارکت تنهایی در ورزش‌های موجود
	مفهوم ورزش همگانی	تصور ضعیف از مفهوم ورزش همگانی (بالا رفتن از پله)، تفاوت با ورزش برای همه، تحول اساسی در مفهوم ورزش همگانی، چندگانگی در مفاهیم، الگوی جامع فکری
	درک ورزش	نشناختن انواع ورزش‌ها، فاصله زیاد شناخت ورزش‌ها تا دیدگاه مسئولان، ورود تفکر و بینش علمی در مفاهیم، تناقض در کمیته‌های موجود فدراسیون
	تنوع ورزش	تعداد کم ورزش همگانی کم‌هزینه، ترکیب چند ورزش در یک ورزش، وجود برخی ورزش‌های بدون فدراسیون، کمیته‌های نامشخص ورزشی در فدراسیون، تعداد کم ورزش همگانی کشور در مقابل ورزش‌های فدراسیون‌های کشورهای پیشرو
	امکان اجرای ورزش	مشارکت قشر خاص، نشناختن مهارت‌های اجرا، کمبود فضاهای خاص ورزش همگانی، کمبود مسابقات ورزش همگانی

دسته سوم، شرایطی زمینه‌ای هستند که از دل ورزش‌های موجود برمی‌خیزند و مربوط به ویژگی ورزش‌ها هستند.

شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین، در این قسمت، عواملی کلی که از محیط بیرونی بر راهبردها و پدیده محوری تأثیرگذار هستند، شناسایی شدند.

جدول ۷- سوق‌دهنده‌های محیطی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر

مقوله	مفهوم	نشان
سیاسی - قانونی	ارتباطات بین‌المللی، تصویر مثبت از کشور ایران، تدوین اسناد فرابخشی کشوری، استانی، شهری و محلی، تدوین سیاست‌های خاص ورزش همگانی، تدوین قوانین حمایتی اقشار مختلف، تغییر نگرش دولتمردان	افزایش کمیّت و کیفیت اماکن ورزش همگانی، زیرساخت‌های ورزش همگانی، مشاهده بروز تغییرات محیطی، فراهم کردن زیرساخت‌های محیطی سبک زندگی سالم
فرهنگی - اجتماعی	مشارکت اجتماعی، آموزشی و فرهنگ‌سازی، همایش‌ها و مسابقات محلی، ایجاد گروه‌های همسن و همکار	فردواسطه: بروشورهای نمایشی، ارزش‌آفرینی سازمانی، باورهای فردی، نگرش فعالانه در زندگی با رسانه‌ها
اقتصادی	گروه‌واسطه: هنجارهای اجتماعی ورزشی، الگوها و نماد نمایشی، همایش‌های جمعی، ایجاد باورهای خانوادگی، ارتقای فرهنگ عمومی	تحریم، یارانه ورزش همگانی، نرخ تورم و گرانی، رشد پایین اقتصادی، نبود خصوصی‌سازی، درآمد اقشار مختلف، هزینه‌های مشارکت

سوق‌دهنده‌های محیطی

در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر شامل سوق‌دهنده‌های محیطی هستند که در پنج حیطه کلی بر توسعه ورزش همگانی تأثیرگذارند.

راهبردها: راهبردها، کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند و تحت تأثیر شرایط زمینه و مداخله‌گر هستند؛ از این رو، در این بخش، راهبردهای موردنظر برای حل چالش‌های درونی و بیرونی توسعه ورزش همگانی ارائه شده‌اند.

در سطح اول، راهکارهای مربوط به سوق‌دادن و انگیزه‌دادن به هر فرد در ابعاد مختلف ویژگی‌های فردی، دانش و نگرش، تغییر عادت، سبک زندگی فعال و مانند این‌ها را می‌توان نام برد.

سطح دوم که راهکارها در سطح میانی هستند، مربوط به مؤلفه‌های مدیریتی سازمان‌های مسئول ورزش همگانی نظیر وزارت ورزش، فدراسیون ورزش همگانی و هیئت‌های تابعه، شهرداری‌ها،

سازمان‌ها و نهادهای دیگر و همچنین، عوامل درونی مرتبط با توسعه ورزش همگانی هستند. از جمله راهکارهای این دسته، راهکارهای فرایندهای درگیر در اصول مدیریت ورزش همگانی (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و غیره)، وضعیت‌سنجی و تحلیل سازمانی، مدیریت منابع و مانند این‌ها هستند. در سطح سوم، منویات رهبری نظام، اصول قانون اساسی و قوانین تابعه، خط‌مشی‌های کلی نظام، اسناد بالادستی، برنامه‌های شش‌ساله توسعه، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، به‌همراه ملاحظات اخلاقی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ارزشی قرار می‌گیرند که به‌عنوان عوامل بیرونی مهم سیاست‌گذاری ورزش همگانی هستند.

جدول ۸- سطوح سه‌گانه راهبردها

سطوح مفاهیم	
سطح اول: سطح فرد	تغییر دانش، نگرش، تغییر در فرد و درنهایت، تغییر در جمع با راهکار و روش پیوسته آموزش، اجرا و بازخورد تدوین نظام مشارکت محلی (گروه‌بافی) با ایجاد سوق‌دهنده‌ها ایجاد سلسله هادیان (افراد مشوق) سلامت با ورزش همگانی در سه سطح محلی، شهری و استانی ایجاد کارگاه‌ها، همایش‌ها و سخنرانی‌های توسعه‌دهنده ورزش همگانی در چهار سطح محلی، شهری، استانی و ملی ارائه الگوهای سبک زندگی سالم با مدل‌های خانوادگی مدیریت زمان با محوریت سبک زندگی فعال شناسایی و مشخص کردن نیازمندی‌ها و اولویت‌های انگیزاننده قومی با رویکرد ورزشی- تفریحی ایجاد سوق‌دهنده‌های مشارکت در مسابقات یا همایش‌های ورزش همگانی (امکان اجرا) افزایش جذابیت ورزش همگانی در چهار بعد مفاهیم، تنوع، دسترسی و ادراک این ورزش‌ها تهیه بانک‌های اطلاعاتی همه سازمان‌های مسئول ورزش همگانی کشور شناسایی و مشخص کردن نیازها و اولویت‌های تمامی سازمان‌های مسئول ورزش همگانی کشور درگیر کردن مدیران تمامی سطوح در سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌ها مدیریت مناسب منابع انسانی سازمان‌های مسئول ورزش همگانی افزایش حقوق مادی و معنوی کارکنان مسئول ورزش همگانی در تمامی سازمان‌ها برآورده کردن تمامی وظایف مدیریت (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و غیره) در سازمان‌های مسئول با برنامه- های مدیریتی جابه‌جایی تفکر سنتی در فدراسیون و هیئت‌های ورزشی با سبک‌های به روز مدیریتی ورود فناوری به روز در ابعاد مختلف (سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و غیره) در بدنه سازمان‌های مسئول ورزش همگانی مدیریت مناسب بعد اقتصادی با راهکارهای خاص نظیر کمک از حمایت‌های دولتی، خصوصی سازی و ... تدوین و جاری کردن مناسب نظام جامع ورزش کشور
سطح دوم: سطح سازمان	

ادامه جدول ۸- سطوح سه‌گانه راهبردها

سطوح	مفاهیم
سطح دوم:	جلسات مشترک بین سازمان‌های مسئول با محوریت فدراسیون ورزش همگانی با ارائه مدیریت یکپارچگی سازمانی ورود پژوهشگران متخصص ورزشی و انجام طرح‌های مدون پژوهشی
سطح سوم: سطح کلان:	سیاست‌گذاری ملی در حیطه ورزش همگانی تدوین نظام‌نامه ملی ورزش همگانی تدوین قوانین ملی توسعه ورزش همگانی ساختاربندی با ثبات تشکیلاتی سازمانی در حوزه ورزش تغییر سیاست‌های کلان بین‌المللی با جهت‌گیری تعامل بین‌المللی مدیریت همگرایی ملی در ورزش همگانی ورود اقتصاددانان ملی برای واردشدن خصوصی‌سازی به حوزه ورزش همگانی غیردولتی‌کردن یا غیروابسته‌کردن بودجه سازمان‌های مسئول ورزش همگانی شایسته‌سالاری و به‌دنبال آن، ثبات مدیریتی کلان ورزش با وجود تغییر دولت‌ها کاهش فواصل طبقاتی اقشار مختلف ایجاد ایدئولوژی اجتماعی مشارکت گسترده افزایش درآمد اقشار مختلف با فرایندهای مرتبط نظیر قانون، یارانه و غیره ورود متخصصان دانشگاهی با استفاده از فرایندهای مرتبط افزایش کمیت و کیفیت اماکن و تأسیسات ورزشی

پیامدها: پیامدها خروجی حاصل از به‌کارگیری راهبردها هستند. با توجه به شرایط درونی و بیرونی بررسی شده و همچنین، راهبردهای ارائه‌شده پیش‌بینی می‌شود که پیامدهای زیر حاصل شوند. با تدوین راهکارهای مساعدی که در راستای ارتقای سطح مشارکت اقشار مختلف با هدف توسعه ورزش همگانی انجام شده است، پیامدها در پنج کد شناسایی شده‌اند.

جدول ۹- پیامدهای منتج‌شده از مراحل مدل پارادایمی

کد	پیامد
۱	مشارکت تدریجی تمامی اقشار در ورزش همگانی
۲	احساس نیاز به مشارکت در ورزش همگانی در اقشار مختلف
۳	یکپارچگی ملی سازمانی در سراسر کشور
۴	تغییر فرایندهای مدیریت سازمانی در سازمان‌های مسئول ورزش همگانی با بودجه‌بندی مناسب
۵	سیاست‌گذاری ملی در ورزش همگانی کشور و پویاکردن برنامه‌ریزی در این حیطه



شکل ۲- پارادایم کدگذاری محوری بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی در کشور

براساس داده‌های دو مرحله قبل، مرحله کدگذاری انتخابی انجام می‌شود که با توجه به تحلیل مقوله‌های به دست آمده و فرایند قیاس و استقرار مستمر، عوامل توسعه ورزش همگانی در پنج گام به این ترتیب هستند:

۱. گام اول: بررسی وضعیت ورزش همگانی کشور؛
۲. گام دوم: از بین بردن موانع بازاریابنده، افزایش عوامل انگیزاننده، افزایش عوامل سوق دهنده، افزایش جذابیت فعالیت‌های ورزش همگانی؛
۳. گام سوم: توسعه شش بعدی شامل توسعه بخش سیاسی-قانونی، توسعه محیطی (زیرساخت و امکانات، ارتقای کیفیت اماکن و مانند این‌ها)، توسعه مدیریتی (فنی، انسانی، مالی، فناوری و مانند این‌ها)، توسعه حمایتی (دولتی، خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد)، توسعه دانشگاهی (علمی-پژوهشی و آموزشی) و توسعه بخش آموزش همگانی (اطلاع‌رسانی، یادگیری و مانند این‌ها)؛
۴. گام چهارم: تطبیق راهکارهای توسعه با کشورهای پیشرفته؛

۵. گام پنجم: در نظر گرفتن محیط کلان کشور (اسناد بالادستی) نظیر اقتصاد مقاومتی، چشم‌انداز ۲۰۲۰ و غیره.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اصول مهم و نهایی فرایند پژوهش، رسیدن به نقطه عطفی است که به نوعی از نتایج پژوهش استفاده می‌شود و به تفسیر این نتایج پرداخته می‌شود. در بحث موضوعی نتایج این پژوهش می‌توان دسته‌بندی موضوعی را لحاظ قرار داد تا مؤلفه‌های توسعه ورزش همگانی کاملاً آشکار شوند. در ابتدای پژوهش، با بررسی مطالعات گذشته به عواملی برمی‌خوریم که زمینه گسترش ورزش همگانی را فراهم می‌کنند که نشان‌دهنده موردی بودن و فقدان کل‌نگری به این موضوع است. برای بررسی جامع عوامل توسعه این ورزش، مبانی نظری پژوهش‌های پیشین و همچنین، دیدگاه‌های متخصصان بنام ورزش همگانی کشور می‌توانند به دارا بودن ساختار کلی این ورزش در کشور کمک کنند تا زیرساخت‌های ورزش همگانی کشور براساس مبانی صحیح پی‌ریزی شوند. با این هدف و در راستای تدوین چهارچوب کلی برای این ورزش، این پژوهش به بررسی عوامل موضوعی با رویکرد کیفی نظریه داده‌بنیاد پرداخته است. در فرایندهای این رویکرد، همه نشان‌هایی که از مراحل مختلف مصاحبه جمع‌آوری می‌شوند، به صورت مفاهیم کدگذاری می‌شوند و چند مفهوم نیز تشکیل‌دهنده مقوله هستند. مقوله‌ای به عنوان مقوله محوری انتخاب می‌شود و بقیه مقوله‌ها به صورت کدهای محوری به آن مربوط می‌شوند. در این مرحله که از مراحل مانند شرایط علی مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌گذرد، نتایج به صورت کدهایی برای رسیدن به کدگذاری گزینشی یا انتخابی آماده می‌شود.

در مراحل اولیه پژوهش، با بررسی مطالعات کتابخانه‌ای به مفهوم و کلیاتی در مورد ورزش همگانی رسیدیم و مرور مطالعات گذشته نیز اطلاعاتی را برای رسیدن به چهارچوب پژوهش اضافه کرد. در نتیجه این مرحله، سؤال‌هایی برای پرسش از متخصصان در فرایند مصاحبه، انتخاب شدند. سؤال‌ها در هفت دسته تعاریف و مفاهیم رایج ورزش همگانی در کشور، موانع بازدارنده، انگیزاننده‌ها برای افزایش مشارکت، مقایسه ورزش همگانی کشور با کشورهای پیشرو، تحلیل وضعیت ورزش همگانی، راهبرد کلان ورزش همگانی و در پایان، راهکارها و روش اجرایی ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان به صورت نیمه‌ساختاریافته پرسیده شدند.

در مرحله اول، ۳۸ تن از متخصصان ورزش همگانی کشور با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی نظیر انجام پژوهش‌های پیشین در این حوزه، زمینه اجرایی در ورزش همگانی، حضور و نقد فعال در این حوزه و تألیف کتب و منابع ورزش همگانی شناسایی شدند که با پیگیری پژوهشگران با ۲۸ نفر از قبل

هماهنگ شد. در فرایند اجرای ورزش همگانی، پس از انجام ۲۱ مصاحبه، فرایند مصاحبه تقریباً به اشباع نظری رسید که بحث در مورد نتایج به صورت زیر است.

در این مرحله، ۱۷۶ نشان شناسایی شدند و به صورت باز کدگذاری شدند. مصاحبه‌شونده‌ها ۱۶ نشان یا مفهوم در دسته اول؛ یعنی تعاریف و مفاهیم رایج ورزش همگانی را بیان کردند. همان‌طور که در قسمت یافته‌ها اشاره شد، غالب مصاحبه‌شونده‌ها به ناشناس بودن مفهوم ورزش همگانی اشاره کردند و کدهای شناسایی شده بیان کردند که اقشار مختلف با این مفهوم غریبه‌اند؛ مگر مسئولان اجرایی ورزش کشور. همان‌گونه که اشاره شد، بدون فهمیدن و درک کردن یک موضوع نمی‌توان بدان ترغیب شد. شاید جاری نبودن این ورزش در سبک زندگی اقشار مختلف و تلاش نکردن اقشار مختلف برای درک صحیح آن، از عوامل ضعف ورزش همگانی باشند؛ اما در هر صورت نبود نظام جامع فکری در این حوزه کاملاً آشکار است.

شاید بیشترین کد در دسته موانع بازدارنده به دست آمده است؛ زیرا، اگر این‌گونه نبود، دلیلی برای انجام این پژوهش وجود نداشت. پژوهشگران این مطالعه سعی در کاهش موانع بازدارنده برای افزایش مشارکت اقشار مختلف داشتند. در مطالعات پیشین نظیر شعبانی مقدم (۱۳۹۰) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) به برخی از این موانع به صورت موردی اشاره شده بود و از این نظر همسو با نتایج این پژوهش است؛ ولی می‌بینیم که بسیاری از این ۴۱ کد شناسایی شده بیشتر به عوامل به وجود آورنده یا تسهیل‌کننده بیرونی مربوط هستند تا خود افراد و اقشار مردم. اینکه سعی کنیم تمامی موانع را به موانع به وجود آورنده دیگری مربوط کنیم، در بین مسئولان این حوزه مرسوم شده است؛ در حالی که در ادامه کدگذاری باز مشاهده شد که با دارا بودن یک ساختار مناسب در کشورهای پیشرو می‌توان مانع بروز بسیاری از موانع شد که متأسفانه جای آن در حوزه ورزش همگانی کشور خالی است. بسیاری از این موانع مربوط به فضای خالی ناشی از ضعف قوانین، شرایط مالی بد و از این دسته عوامل هستند؛ در حالی که بسیاری از سرمایه‌های خانوار به جای صرف در این حوزه، صرف درمان بیماری‌ها می‌شوند که در این مرحله از کدگذاری بیشتر از نیمی از کدها به این موارد مربوط می‌شوند.

پاسخ سؤالی که از مصاحبه‌شونده‌ها با مضمون «دلیل پیشرفت کشورهای پیشرو در این حوزه را چه می‌دانید؟» شده بود، ۲۰ نشان بود. هریک از این ۲۰ نشان بیان می‌کنند که در چند عامل اصلی نظیر ساختار متفاوت، اقتصاد متفاوت، فناوری متفاوت و مدیریت متفاوت و عوامل فرعی نظیر زیرساخت‌های ورزش همگانی، زیرساخت‌های شهری و محلی و مانند این‌ها، وجود ضعف در حوزه ورزش همگانی سبب مشارکت کم اقشار مختلف شده است. در پژوهش ممتازبخش (۱۳۸۶) نیز به این یافته اشاره شده بود.

درمقابل موانع بازدارنده، همان‌طور که در پژوهش کشکر و احسانی (۱۳۸۶) اشاره شده بود، فرد باید به تعادلی در انگیزاننده‌ها و موانع بازدارنده برسد تا فعالیت را برگزیند. در بررسی انگیزاننده‌ها ۱۲ کد شناسایی شدند که کدها نشان‌دهنده وجود انگیزه زیاد مشارکت در اқشار مختلف، ولی انگیزاننده‌های کم برای تسهیل مشارکت آنان هستند که بیشتر این کدها همانند نتایج مطالعات گایل (۲۰۱۰) و نورگس (۲۰۱۱) به انگیزاننده‌های اقتصادی مربوط می‌شوند.

«وضعیت ورزش همگانی کشور را چگونه می‌بینید؟» سؤال دیگری بود که ۲۸ کد از پاسخ مصاحبه‌شونده‌ها شناسایی شدند و بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها درباره مشارکت پایین، عقب‌ماندن در شرایط برنامه‌ریزی و اجرایی و همچنین، نبود هماهنگی جامع ملی سازمانی و عواقب آن برای این ورزش، اتفاق نظر داشته‌اند. این نتیجه که با نتایج طرح مطالعات تفصیلی ورزش همگانی (۱۳۸۴) همسو است، شاید اطلاع دقیق نداشتن از میزان مشارکت اқشار مختلف را به‌خوبی توجیه کند؛ زیرا، بدون تحلیل مناسب وضعیت ورزش همگانی نمی‌توان سیاست‌گذاری کرد.

در مراحل پایانی مصاحبه از متخصصان برای رسیدن به برنامه مدون، ۵۹ کد شناسایی شدند که سهم نحوه تدوین راهبرد، ۳۲ کد و سهم چگونگی راهکارها و روش‌های اجرایی، ۲۷ کد است. طبق نتایج پژوهش پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۳) می‌توان بیان کرد که برنامه‌ای برای رساندن به هدف نهایی انجام نمی‌گیرد؛ مگر با داشتن راهبرد اجرایی که از بخش‌هایی نظیر چشم‌انداز، مأموریت، راهکارها و روش اجرایی تشکیل می‌شود. در چند بعد به‌صورت کلان به عوامل توسعه ورزش همگانی اشاره شد که توسعه اقتصادی، توسعه ساختاری، توسعه سیاسی- قانونی، توسعه فناوری، توسعه مدیریتی و مانند این‌ها، در سه فرایند کلان، میانی و خرد به‌دست آمده‌اند که در ادامه به‌خصوص در راهبردهای مدل پارادایمی به موارد توسعه اشاره می‌شود. در نظر گرفتن این راهبردها با روش‌های اجرایی مناسب، می‌تواند بسیاری از مشکلات مربوط به سلامت افراد را رفع کند؛ برای مثال، هنگامی که فردی در حوزه ورزش همگانی فعالیت می‌کند، به‌نوعی نتایج این حضور را به‌صورت مستقیم باید درک کند؛ در غیر این صورت در آن مشارکت موقتی خواهد داشت. نتیجه پژوهش کشکر و احسانی (۱۳۸۶) نیز مؤید این مطلب است که تمام برنامه‌ها به‌سمتی باید پیش روند که مردم احساس نیاز به مشارکت پیدا کنند.

پس از در نظر گرفتن کدهایی که در مرحله اول؛ یعنی کدگذاری باز به‌دست آمده بودند، مقوله‌هایی از مفاهیم منتج شدند که عوامل توسعه ورزش همگانی به‌عنوان مقوله محوری شناسایی شدند که موانع، انگیزاننده‌ها، جذابیت ورزش همگانی و سوق‌دهنده‌ها، چهار مقوله محوری را تشکیل می‌دهند.

به علت به وجود آمدن مقوله محوری، به تحلیل کدهای خروجی از مرحله اول با عنوان شرایط علی می پردازیم. تقریباً در تمامی پژوهش های این حوزه، مشارکت پایین ورزش همگانی در ایران تأیید شده است و با اینکه برنامه هایی تدوین شدند، در برابر درصد رشد جمعیتی که در کشور وجود دارد، درصد ناچیزی هستند و مسبب بسیاری از بیماری ها در سنین بالا همین مشارکت پایین است که در پژوهش غفوری و همکاران (۱۳۸۶) نیز به این موضوع اشاره شده است. نبود وحدت ملی برای افزایش مشارکت، وجود فرصت های عظیم ورزش همگانی و نبود مدیریت مستحکم ورزش همگانی از شرایطی هستند که در پژوهش های محمدعلی پور (۱۳۸۲) نیز به آن ها اشاره شده است و می توانند دلیلی برای بررسی عوامل توسعه ورزش همگانی باشند. با نگاهی اجمالی به مقوله ها، در مرحله اول می توان درک کرد که عوامل به وجود آورنده مقوله های محوری، هدف اول سیاست گذاری باید قرار گیرند تا با برطرف کردن این عوامل بتوان به توسعه ورزش همگانی رسید.

شرایط زمینه ای، دسته ای دیگر از مقوله ها هستند که اثرگذاری بر مقوله عوامل توسعه ورزش همگانی را به صورت درونی انجام می دهند. با دسته بندی کدهای خروجی از مرحله کدگذاری باز در مرحله اول، سه دسته مقوله های به وجود آورنده شرایط زمینه ای شناسایی شدند. این مقوله ها به علت مربوط بودن به یکدیگر در دسته های خود قرار گرفتند که به بررسی آن ها می پردازیم.

در دسته اول شرایط زمینه ای، موانع قرار دارند که بر سه دسته فرد واسطه، پشتیبانی و کلان هستند. موانع فرد واسطه موانعی هستند که افسار مختلف به صورت فردی، گروهی و محیطی تحت تأثیر قرار می گیرند. نداشتن رغبت یا علاقه به ورزش همگانی در این دسته بروز پیدا می کند؛ جایی که فرد به لحاظ روان شناختی، از درون و باتمایل می تواند ورزش را از بین تمامی فعالیت های اوقات فراغت انتخاب کند. موانع فردی نظیر داشتن نگرش ضعیف به ورزش و مزایای آن، نداشتن فلسفه درونی برای شروع و ادامه مشارکت هستند. روابط گروهی با افراد مختلف نظیر نبود همراهان ورزشی و تک جنسیتی بودن فضاهای ورزشی دسته دوم را تشکیل می دهند. دسته سوم شرایطی هستند که فرد را درگیر مشارکت می کنند؛ ولی مسبب آن شرایط بیرونی مسؤلیت های خانوادگی یا چندشغله بودن است. این نتیجه با نتایج پژوهش رحمانی نیا (۱۳۸۲) همسو است. در بسیاری از این موارد، فرد به صورت واسطه ای در وسط قرار می گیرد و موانع به او فشار وارد می کنند تا مشارکت نکند. گاهی نیز افرادی هستند که با وجود بسیاری از این مشکلات، از آن ها فارغ می شوند و در مسیر مشارکت قرار می گیرند؛ ولی نمی توانند ادامه دهند. پژوهش کشر و احسانی (۱۳۸۷) نشان داده است که اصولاً افراد اگر تا ۱۸ ماه مرتب به مشارکت خود ادامه دهند، تا پنج سال فعالیت های ورزشی را انجام خواهند داد.

ضعف نیروی انسانی، فقدان شرایط مالی مناسب و مشکلات سخت‌افزاری، هریک مؤلفه‌های دسته دوم موانع؛ یعنی موانع پشتیبانی را تشکیل می‌دهند. این دسته از موانع درون خود شرایط اجرایی ورزش همگانی، در سازمان‌های مسئول نظیر وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون ورزش همگانی، شهرداری‌ها و نهادهای غیرورزشی مسئول دیگر به‌وفور وجود دارند. این عوامل عواملی هستند که اگر فرد از بین فعالیت‌های مختلف در زمان اوقات فراغت، ورزش همگانی را انتخاب کند سبب می‌شوند فرد مشارکت خود را کاهش دهد یا به‌آرامی بی‌رغبت شود. در پژوهش‌های شعبانی‌مقدم (۱۳۹۰) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) این موارد نیز نتیجه مطالعاتشان بوده‌اند. شاید با وجود ساختار مناسب در ورزش کشور، ثبات مدیریتی در ارکان مسئول، ورود منابع مختلف با وارد کردن خصوصی‌سازی به ورزش همگانی و مواردی از این قبیل بتوان کمی از این موانع را از بین برد.

دسته نهایی در پژوهش حاضر دسته‌ای هستند که مربوط به ایجاد بستر یا زمینه‌ای برای مشارکت دائم در ورزش همگانی هستند. شاید با مثالی بتوان کامل‌تر این مبحث را تفسیر کرد. در پژوهش پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۳) اشاره شده است که وقتی اقبال مختلف در کشورهای اسکانندیناوی در باشگاه‌ها یا اماکن ورزشی مشارکت می‌کنند، با دستگاه‌های آنلاین الکترونیک ساعات و مدت حضور خود را اعلام می‌کنند و پس از اتمام فعالیت ثبت نهایی می‌شود. مجموع زمان این فعالیت‌ها محاسبه می‌شود و به تناسب آن از مالیات افراد مشارکت‌کننده کسر می‌شود و به حقوق مالی شهروندی یا همان یارانه مشارکت اضافه می‌شود. شاید وجود قوانین، سیستم‌های مدیریتی نوین و مواردی مانند این‌ها بتواند این موانع را کاهش دهند.

شرایط زمینه‌ای دیگر، کمبود انگیزاننده‌های مشارکت است. با تغییر نسل به نسل افراد، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که براساس این تغییرات باید تغییرات حداقل ۱۰ ساله را در شرایط انگیزشی افراد به‌وجود آورد. اینکه افراد احساس نیاز به مشارکت کنند یا بخواهند فرهنگ خود را در فضاهای ورزشی به‌نمایش بگذارند، می‌توانند سوق دهنده‌های خوبی برای مشارکت باشند. شاید ورود متخصصان روان‌شناسی ورزشی در این بخش بتواند کمک شایانی به افزایش مشارکت افراد کند که در پژوهش صفاری و همکاران (۱۳۹۴) نیز به آن اشاره شده است.

همچنین، ورزش‌های همگانی به‌علت نداشتن برخی مؤلفه‌ها نظیر ویژگی‌های مبهم ورزشی، مبهم‌بودن مفهوم ورزش همگانی، ادراک ضعیف از مفهوم ورزش همگانی و نبود امکان اجرای ورزش، دارای جذابیت کمی نسبت به ورزش‌های دیگر یا حتی فعالیت‌های دیگر اوقات فراغت هستند. با این پیش‌زمینه می‌توان گفت که افزایش جذابیت فعالیت‌های ورزش همگانی از مواردی است که می‌تواند از دل خود فعالیت به‌پا خیزد و با ایجاد ویژگی‌های مثبت در افزایش جذابیت ورزش همگانی، می‌توان مشارکت در این فعالیت‌ها را افزایش داد.

شرایط مداخله‌گر، شرایطی نظیر فراهم‌کننده‌های بیرونی یا بسترهای زمینه‌ای بیرونی هستند که در این زمینه راهبردها به‌صورت اجرایی ثمربخش هستند. زمینه‌های سیاسی- قانونی نظیر ایجاد ذهنیت مثبت از کشور در فضای بین‌المللی برای برنامه ریزی و برگزاری رویدادهای بین‌المللی با کشورها و فراهم‌کردن بستر مناسب برای ارتباطات مستحکم و مفید بین‌المللی، از ملزومات گسترش این ورزش‌ها هستند که فقدان این مسئله نه‌تنها در ورزش کشور، بلکه در ورزش همگانی نیز کاملاً مشهود است. شاید برطبق نتایج مطالعات هلزیر (۲۰۰۲) و امان (۲۰۰۹) قوانینی که زمینه این ارتباطات یا تغییر در ابعاد مختلف ورزش همگانی کشور را فراهم می‌کنند، کامل نباشند. اگر سیاستی را که برای ورزش همگانی در حال تدوین یا اجرا است به قطاری تشبیه کنیم، قوانین به‌عنوان ریلی برای تسهیل اجرای این سیاست‌ها هستند که افراد متخصص در این ورزش‌ها باید آن‌ها را تدوین کنند. فرایندهای مدیریتی برای فعال‌کردن بسترهای بیرونی یا محیطی مشارکت، نظیر فعال‌کردن رسانه، ایجاد گروه‌های همسن و همکار محلی و از این دست زمینه‌ها را می‌توان نام برد. افزایش زیرساخت‌هایی نظیر امکانات به روز فناوری آنلاین در تمامی سازمان‌ها با عنوان شمارانداز مشارکت، ساخت تسهیلات و اماکن ورزشی و درکل، تمامی سخت‌افزارهای مربوط به ورزش همگانی را می‌توان سوق‌دهنده‌های محیطی نام برد که به‌صورت زیرساختی در ایجاد مشارکت دخیل هستند. ایجاد زمینه‌های مختلف فرهنگی- اجتماعی- که هم فرد را و هم گروه افراد را به مشارکت دعوت می‌کنند- توسط ایجاد مکانیسم‌های فرهنگی- اجتماعی نظیر ایجاد ارزش جمعی پس از مشارکت و تغییر باور افراد نسبت به این فعالیت‌ها، سوق‌دهنده‌های ارزش‌آفرین در هر دو گروه هستند که در پژوهش نورگس (۲۰۱۱) نیز به آن اشاره شده است همچنین اشاره شد که مردم می‌خواهند ورزش کنند؛ ولی برخی از افراد خجالت می‌کشند. در مطالعات چهارچوب ورزش انگلستان (۲۰۰۴) به این موضوع اشاره شده بود که تقریباً در اکثر بررسی‌های انجام‌شده، بعد مالی یا اقتصادی دسته‌ای است که به خود فعالیت‌ها مربوط نمی‌شود؛ بلکه به ایجاد بسترهای اقتصادی نظیر تورم، گرانی، درآمد پایین، هزینه‌های بالای مشارکت مربوط می‌شود که خود این عوامل به دسته‌ای دیگر نظیر تحریم، اقتصاد مقاومتی و بسترهای کلان دیگر وابسته هستند.

راهبردها نتیجه تمامی مراحل گذشته در مدل پارادایمی بررسی عوامل توسعه هستند که با این راهبردها می‌توان تمامی موارد مراحل قبل را پوشش داد و به‌نوعی به سرانجام موفقیت‌آمیز دست یافت. سه سطح فرد، میانی و کلان سطوحی هستند که تمامی راهبردها را پوشش می‌دهند. در صورتی که این راهبردها عملی شوند، عوامل توسعه مشارکت به پیامدهایی منجر می‌شوند که سبب توسعه مشارکت می‌شوند. سطح اول که برطبق نتایج از مهم‌ترین سطوح است، فرد را مرکز تغییرات در نظر می‌گیرد و اولویت ایجاد سو ق دهنده‌ها برای مشارکت، فرایندهای سوق‌دادن و

ادامه فعالیت به صورت فردبه فرد و گروه به گروه را در دستور کار خود قرار می دهد. با توجه به این راهبردها این افراد تغییر جامعی را در سبک زندگی متوجه می شوند و پس از ایجاد این سبک زندگی، براساس مشارکت در ورزش همگانی به مشارکت می رسند و آن را ادامه می دهند. در این سطح، ایجاد الگوهای روان شناسی فردی مشارکت، الگوی سبک زندگی فعال، الگوی ارتباط محلی گروه ها، الگوهای رفتاری، نظام مشارکت محلی، الگوهای منظم اطلاع رسانی و تغییر در مفاهیم اصلی ورزش همگانی را می توان به کار گرفت و اجرا کرد. سطح دوم راهبردها به سطوحی اطلاق می شود که افراد با واسطه با آنها مواجه هستند. الگوهای وظایف مدیریت ورزش همگانی (برنامه ریزی، سازمان دهی و غیره)، الگوهای اجرایی، الگوهای مدیریت منابع انسانی، الگوهای اقتصادی و فناورانه، الگوهای ارتباطی و به نوعی همه فرایندهای در حال اجرای مسئول را می توان نام برد. بسیاری از این الگوها در شرایط سطح سوم؛ یعنی سطح کلان قرار دارند که در پژوهش ها نیز به آن اشاره شده است. تطبیق ساختارهای کلان ورزش همگانی کشور با ساختار بین المللی، سیاست گذاری ملی و منطقه ای ورزش همگانی، سیاست های قانونی و سیاسی، مدیریت همگرایی ملی و از این دست راهبردها می توانند تمامی زمینه ها را برای فرایندهای مدیریتی سطح قبل به وجود آورند؛ زیرا، در این شرایط است که هم فرد و هم سازمان های مسئول بستری مناسب را برای پیاده سازی سیاست ها پیدا می کنند. با توجه به مسائلی که مطرح شده است، گام هایی براساس کدگذاری انتخابی برگزیده شده اند و شاید اگر براساس پنج فرایند به ترتیب انجام شوند، به نتایج خوبی می انجامند. با بررسی وضعیت موجود ورزش همگانی در ابتدای گام توسعه و سپس، به وجود آوردن انگیزاننده ها، سوق دهنده ها و جذابیت ورزش همگانی و از بین بردن موانع بازدارنده، گام بعدی است تا عوامل شش بعدی توسعه فراهم شوند. در ادامه، باید براساس برنامه های کشورهای پیشرفته به تطبیق این عوامل پرداخت. در نهایت نیز باید این عوامل توسعه را براساس اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران انجام داد.

اگر این فرایندها خروجی مناسبی داشته باشند، می توانند منجر به پیامدهایی شوند که به توسعه ورزش همگانی در غالب ابعاد نظیر افزایش مشارکت، یکپارچگی ملی سازمانی، ایجاد و پیاده سازی سیاست مناسب ورزش همگانی و نیز تغییر فرایندهای مدیریتی منتج شود. اگر این پیامدها به وقوع بپیوندند، در طول زمانی که راهبردها فراهم، تدوین و اجرا شوند، بهترین و مطلوب ترین شرایط برای ورزش همگانی رخ می دهد. با بررسی عوامل توسعه و ایجاد چهارچوبی که عوامل توسعه ورزش همگانی در متن آن قرار گیرند، می توان در طی فقط چند سال شاهد افزایش مشارکت کلان بود؛ شرایطی که هنوز در کشور ما رخ نداده است و در مطالعات نیز اشاره شده است که هنوز مشارکتی روی نداده است. ارتباطاتی که در مدل پارادایمی وجود دارد، نشان دهنده وابسته بودن برخی از

عوامل به یکدیگر است که در برخی از مقوله‌ها تجمیع شده‌اند و در برخی دیگر به تنهایی مطرح شده‌اند. پژوهشگران این مقاله سعی در به‌وجود آوردن چهارچوب سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور داشته‌اند که از ابعاد مختلفی تشکیل می‌شود. یکی از این ابعاد، بررسی عوامل توسعه بوده است که به طراحی مدل سیاست‌گذاری کمک می‌کنند. با ایجاد و تسهیل این مدل و گام‌های توسعه‌ای نهایی می‌توان به تمامی ابعاد تأثیرگذار در مشارکت دست یافت تا در آینده با صلاحدید مسئولان به شرایط اجرا نزدیک شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی متخصصان ورزش همگانی که از اطلاعات خود در فرایند مصاحبه دریغ نفرمودند و همچنین کمک شایان توجهی که پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی کشور به نویسندگان این پژوهش نکرده است، کمال تشکر خود را ابراز می‌کنیم.

References

1. Aman, M. (2009). Sport for all and elite sport: Underlining values and aims for government involvement via leisure policy. *European Journal of Social Sciences*, 9(4), 21-39.
2. NAVRACSICS Tibor (European Commission) (2017). Amendment of the 2017 annual work programme for the implementation of 'Erasmus': The union programme for education. *Training, Youth and Sport*, 3(7), 705-10.
3. England Sport for All Organization. (2010). Keep your children active this half term Available at: <http://www.sportforall.org.rs/eng/index.html> (Accessed 12 November 2010).
4. Detailed Studies of the Development of Dport. (2003). Physical education organization. Available at: (<https://link.springer.com>). (Persian).
5. Ghafouri, F., Honarvar, A., Honari, H., & Monireh, A. (2005). The study of sport for all and good entertainment community and provide models for future planning. *Research projects of the Islamic Republic of Iran's Physical Education Organization*, 12(3), 16-28. (Persian).
6. Gayle, K. (2010). Dimensions of leisure for life: Individuals and society. *Human Kinetics*, 31(4), 29-41.
7. Gayle, K. (2012). Introduction to recreation and leisure. *Human Kinetics*, 41(2), 81-92.
8. Holzweher, F. (2002). Sport for all as a social change and fitness development. Institute of Sport Science. Vienna University: Austria, <http://www.niss.gov.lk/> 13, 99- 102.
9. Javaadi Pour, M., Ghavidel, A., & Samie Nia, R. (2012). Provided a theoretical framework and design a model for the development of sport. *Sports Management Studies*, 21(7), 127-48. (Persian).

10. Kashkar, S., & Ehsani, M. (2007). The inhibiting factors of recreation sport among the females in Tehran: Individual characteristics. *The Female Studies* 2, 113-34. (Persian).
11. Mohammad-Ali Pour, Gh. (2003). *Serveing the course of action sport and mass sports federation in the last decade* (Unpublished master's thesis). Tehran University, Tehran. (Persian).
12. Montazbakhsh, M., & Fakour, Y. (2007). *Serveing the strategies to promote and develop the sport for women*. *Police University*, 9(2), 46-54. (Persian).
13. Nouroozi S.H.R, Forogh, F. M., & Mousavi, Ch. K. (2016). Model discrimination in sport teams (used of grunded theory). *Sport Management*, 8(4), 459-510. (Persian).
14. Holt, NL., Neely, KC., Slater, LG., Camiré, M., Côté, J., Fraser-Thomas, J., MacDonald, D., Strachan, L., & Tamminen, KA. (2017). A grounded theory of positive youth development through sport based on results from a qualitative meta-study, *International Review of Sport and Exercise Psychology*, 10(1), 1° 49.
15. Norges, I. (2011). Joy of sport for all. *Sport Policy Document 2011° 2015*, 3, 1- 68.
16. Peyman-Far, M. H., Elahi, A., & Hamidi, M. (2014). Why strategies fail in practice? A qualitative study of the sport in Iran. *Sports Management Studies*, 32, 35-52. (Persian).
17. Persson, T. (2016). Participant list updated 2016-11-06. 340 shooters are now register for Swedish Cup. Available at: <http://www.skyttesport.se/Tavlingsverksamhet> (Accessed 2016-11-06). (Persian).
18. Physical Activity Council. (2017). The 2017 participation report. Available at: (Accessed: <http://www.physicalactivitycouncil.com/>). (Persian).
19. Rahmani Nia, F. (2003). With respect to the right spend leisure time youth sport development, boys physical education <https://www.civilica.com>, 141- 69. (Persian).
20. Shtlaves, A., & Kourbin, J. (2011). *Principles of qualitative research methods* (M Bouyok, tranlstor). Iran, Institute for Humanities and Cultural Studies.
21. Shaabani, M. K. (2011). *Sport in Iran and compare it with several countries: Barriers, solutions and development strategies*. (Unpublished doctoral dissertation). Payam Noor University, Tehran. (Persian).
22. Shaabani, A., Ghafouri, F., & honari, H. (2014). *The study of politics and strategies of comprehensive development of sport for sport*. (Unpublished master's thesis). Tehran Allameh University, Tehran. (Persian).
23. Safari, M., Ehsani, M., & Amiri, M. (2012). An analysis of the sport of using structural equation modeling. *Journal of Research in Sport Management and motor behavior*, 5(13), 31-50. (Persian).
24. Skille, A. E. (2014). Sport for all in Scandinavia: Sport policy and participation in Norway, Sweden and Denmark. *International Journal of Sport Policy*, 3(3), 327-39.
25. Sport New Zealand. (2015). *Sport and active recreation in the lives of New Zealand adults*. Wellington: Sport New Zealand.
26. Teymouri, A. (2006). *Evaluate and compare the performance of public sports and recreation center and development center championship of the model Vayzbrd* (Unpublished master's thesis). Tehran University, Tehran. (Persian).
27. *The Framework for Sport in England*. (2004). Making england an active and successful sporting nation: A vision for 2020. Available at: [http:// www.sportengland.org](http://www.sportengland.org) (Accessed 13 September 2004).

استناد به مقاله

وفایی مقدم. علی، فرزام. فرزانه، رضوی. محمد حسین، و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل توسعه ورزش همگانی براساس نظریه داده بنیاد. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۰ (۵۲)، ۴۳-۷۲. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2017.3818.1745

Vafaei Moghaddam. A., Farzan. F., Razavi. M. H., & Afshari. M. (2018). Serving the Development Causes of Sport for All Based on Grounded Theory. Sport Management Studies. 10(52): 43-72. (Persian). Doi: 10.22089/smrj.2017.3818.1745

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Serveing the Development Causes of Sport for All Based on Grounded Theory

A. Vafaei Moghaddam¹, F. Farzan², M.H. Razavi³, M. Afshari⁴

1. Ph.D. Student in Sports Management, University of Mazandaran, Iran
2. Assistant Professor of Sports Management, University of Mazandaran, Iran
3. Professor of Sports Management, University of Mazandaran, Iran
4. Assistant Professor of Sports Management, Sport Sciences Research Institute, Iran*

Received: 2017/02/27

Accepted: 2018/06/21

Abstract

According to the strategic plans of the country in recent years in the field of sport is carried out, Due to the large body of research has been done in this area there is a lack of fundamental research in this area. The aim of this study was to serveing the development of sport with the exploratory nature of the fundamental. Qualitative research methods that are designed based on grounded theory by paradigm model of sport's development, the instrument used was a semi-structured interview that the views of 21 experts was used sport. Sampling method is purposive sampling. Research output, paradigmatic model to investigate the factors that condition the development of sport in the country, causes, central issues, confounding conditions, strategies and outcomes have been formed. This is the code that mentions the open coding crypto acceleration in the first few issues of "definitions and terms, obstacles, compared to the leading countries, motivations, situational analysis, macro strategies and at the end of practice and procedure "is obtained. In the second stage the crypto acceleration, axial coding with the central issue of the development of sport and subcategories such as "charm sports, driving, obstacles and motivations" has been done. Concepts that finally the issue that has become clear that many factors not related to the individual development but also facilitates environmental factors and the removal of barriers to people driving safely is your sport of choice among leisure activities will changes in the concepts of sport and increase the motivation of important factors that should arise.

Keywords: Developing Participant, Sport for All, Qualitative Analysis

*Corresponding Author

Email: afshari.ua@gmail.com